

پرونده‌های  
شرلوك هولمز  
آرتور کان دوپل

ترجمه‌ی نوید فرخی



نشر گویا

سرشناسه : دوپل، آرتور کانن، ۱۸۵۹ - ۱۹۳۰ م.

Doyle, Arthur Conan

عنوان و نام پدیدآور : پرونده‌های شرلوک هولمز/

آرتور کانن دوپل؛ ترجمه نوید فرخی.

مشخصات نشر : تهران: نشر گویا، ۱۴۰۱

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : نمونه قبلی ۴۴۷۴۹۴۸

شناسه افزوده : فرخی، نوید، ۱۳۶۸ -

شماره کتابشناسی ملی : ۸۸۴۶۲۷۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا



نشر گویا

خیابان کریم‌خان زند، روبروی ایرانشهر، پلاک ۸۹

تلفن : ۸۸۳۱۳۴۳۱ - ۸۸۸۲۸۸۸۴

www.gooyabooks.com info@gooyapub.com



gooya.publication

gooyabookstore

www.ketab.ir

پرونده‌های شرلوک هولمز

آرتور کانن دوپل

مترجم: نوید فرخی

طراح جلد: جواد آتشباری ● ویراستار: بیتا دارابی

چاپ نخست: ۱۴۰۱ ● تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۱۲-۰۱۹-۰

چاپ: خانه‌ی فرهنگ و هنر گویا

حق چاپ و انتشار کلیه‌ی مطالب محفوظ است.

هرگونه اقتباس و استفاده از مطالب منوط به دریافت اجازه از ناشر است.

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

## فهرست

۷	.....	مقدمه
۱۹	.....	الماس مازارن
۵۱	.....	مسئله پل تور
۹۹	.....	مردی که چهار دست و پا راه می‌رفت
۱۳۷	.....	خون آشام ساسکس
۱۶۷	.....	سه گاریدب
۲۰۱	.....	ماجرای موکل سرشناس
۲۴۹	.....	ماجرای سه سنتوری
۲۸۱	.....	سرباز رنگ‌پریده
۳۲۱	.....	ماجرای یال شیر
۳۶۳	.....	رنگ‌فروش بازنشسته
۳۹۵	.....	مستأجر برقع‌پوش
۴۱۹	.....	ماجرای مکان باستانی شاسکومب

## مقدمه

شرلوک هولمز، کارآگاه داستانی، مخلوق نویسنده‌ی اسکاتلندی دکتر آرتور کانن دریل است. این کارآگاه - مشاور لندن - به خاطر به کارگیری استنتاج ذهنی، هنر تغییر چهره و اطلاعات تاریخی و قانونی در حل معماهای کارآگاهی مشهور است. چنانکه بی شک هواداران هولمز می‌دانند، اولین حضور هولمز در رمان نقشی ز خون است که در سال ۱۸۸۷ به چاپ رسید. هولمز پس از آن در پنجاه و شش داستان کوتاه و سه رمان دیگر تا سال ۱۹۲۷ حضور یافت.

به جز چهار داستان، تمام داستان‌ها را دوست، همکار و وقایع‌نگار هولمز، دکتر واتسن روایت می‌کند. از بین چهار داستان مورد ذکر دو داستان (سرباز رنگ پریده و یال شیر که راوی هولمز است) و دو تای دیگر (راوی سنگ مازارن و آخرین خدمتش) به طور شخص ثالث روایت شده‌اند. از پنجاه و دو داستانی که واتسن راوی است، در دو داستان (آیین ماسگریو و گلوریا اسکات) در عین حال که واتسن روایتگر اصلی است، بیشتر داستان شرح خاطرات هولمز برای واتسن است. اولین و آخرین رمان، نقشی ز خون و دره وحشت، هر دو دربرگیرنده‌ی فلش‌بک طولانی از

رویدادهایی اند که هولمز و واتسن هیچ کدام در آن‌ها نه نقشی دارند و نه از آن‌ها باخبرند.

### زندگی شرلوک هولمز

جزئیات روشن در مورد زندگی شرلوک هولمز خارج از ماجراهایی که توسط دکتر واتسن ثبت شده، وجود ندارد و اگر هم هست غیرمستند است و انجمن‌های هوادار یا اقتباس‌نویسان هولمز مطرح کرده‌اند. با وجود این خصوصیات رفتاری هولمز و گاه بخش‌هایی از زندگی گذشته‌اش در داستان‌ها مورد اشاره قرار گرفته است.

سن هولمز را از روی داستان آخرین خدمتش می‌توان تخمین زد. این داستان در سال ۱۹۱۴ رخ داده و هولمز در آن شصت‌ساله توصیف می‌شود. بنابراین سال تولدش ۱۸۵۴ خواهد بود. در بین انجمن‌های شرلوک هولمز رایج است که روز تولد هولمز ششم ژانویه است. لری کینگ، نویسنده‌ی داستان‌های پلیسی و از طرفداران هولمز، بر اساس اطلاعات داستان گلوریا اسکات و رمان نقشی ز خون به تاریخ فوق، ایراد وارد می‌کند. طبق تفصیل داستان گلوریا اسکات، سال ۱۸۸۱ دومین سال و آخرین سال حضور هولمز در دانشگاه بوده است. به گزارش خود واتسن از زخمی شدنش در جنگ دوم افغانستان و بازگشتش به انگلستان در رمان نقشی ز خون، تاریخ اثاث‌کشی وی به خیابان بیکر را می‌توان بین سال‌های ۱۸۸۱ یا ۱۸۸۲ حدس زد. بنابراین، هولمز احتمالاً در سال ۱۸۸۱ ترک تحصیل کرده است. اگر او در هفده‌سالگی وارد دانشگاه شده باشد، آن وقت سال تولدش ۱۸۶۱ خواهد بود.

هولمز برای اولین بار در دانشگاه و در هنگام تحصیل در قامت یک کارآگاه ظاهر شد و از روش‌های استنتاجی‌اش بهره برد.

دوروسی ال ساویرز مدعی است هولمز باید در کمبریج تحصیل کرده باشد. پرونده‌های اولیه هولمز در ارتباط با هم‌کلاسی‌هایش است و دیدار با پدر یکی از دانشجویان او را به پذیرش کارآگاهی به عنوان شغل سوق می‌دهد. او شش سال پس از خروج از دانشگاه به مشتریان مشاوره‌ی جنایی می‌دهد تا اینکه احتمالاً به دلیل مشکلات اقتصادی یک هم‌خانه می‌گیرد و با واتسن آشنا می‌شود؛ و از این تاریخ است که حکایت‌های هولمز آغاز می‌شود. هولمز از سال ۱۸۸۱ مستأجر خانه‌ی شماره ۲۲۱b خیابان بیکر می‌شود و به مشتریان مشاوره‌ی جنایی می‌دهد. در رسوایی در بوهم می‌فهمیم منزل استیجاری خیابان بیکر، هفده پله دارد و تقریباً در انتهای خیابان است.

تا پیش از حضور دکتر واتسن، هولمز تنها کار می‌کرد، و فقط گهگاهی مأمورانی را از بین افراد پایین جامعه استخدام می‌کرده. «اعضای غیررسمی خیابان بیکر» نام گروه کودکانی است که برای هولمز خبرچینی می‌کنند. «اعضای غیررسمی خیابان بیکر» در یک داستان و دو رمان ذکر شده‌اند؛ رمان نقشی ز خون و نشانه‌ی چهار، و داستان ماجرای مرد گوژپشت.

اطلاعات ناچیزی از خانواده‌ی هولمز در دسترس است. به والدینش در داستان‌ها اشاره نشده است. هولمز تنها به این گفته اکتفا کرده که خاندانش ملاک و زمین‌داران روستایی بوده‌اند. در داستان مترجم یونانی، هولمز ادعا می‌کند دایمی بزرگش، ورنت، هنرمند نقاش فرانسوی است. برادرش، مایکرافت، از او هفت سال بزرگ‌تر است. مایکرافت مأمور دولتی است که در سه داستان ظاهر می‌شود و در یک داستان دیگر هم نامش ذکر شده است. مایکرافت جایگاه دولتی قابل توجهی دارد و این را مدیون ذهن بسیار دقیقش است. مایکرافت قدرت ذهنی بیشتر اما انرژی کمتری

نسبت به هولمز دارد و ترجیح می‌دهد وقتش را بیشتر در کلوب عجیب و غریب «دیوژن» بگذراند.

### زندگی دکتر واتسن

هولمز بیشتر دوران حرفه‌اش را با دوست و همکار وقایع‌نگارش دکتر جان اچ واتسن می‌گذراند. واتسن در سال ۱۸۸۷ ازدواج می‌کند و برای مدتی از خیابان بیکر می‌رود اما دوباره پس از مرگ همسرش پیش هولمز برمی‌گردد. هولمز به مدت بیست و سه سال به‌طور حرفه‌ای مشغول به کار بوده و واتسن در هفده سال از این مدت، او را همراهی کرده.

جان واتسن در زندگی هولمز دو نقش دارد. اولاً، او در نقش دستیار هولمز در پرونده‌ها نقش آفرینی می‌کند و دست راست کارآگاه بزرگ است. او در جاهای مختلفی به‌عنوان جانشین، پیام‌رسان، طعمه، و معاون نقش آفرینی می‌کند. ثانیاً او وقایع‌نگار هولمز است. اکثریت قاطع پرونده‌های شرلوک هولمز از منظر او روایت شده‌اند. هولمز معمولاً نوشته‌های واتسن را به دلیل توجه کم به مسائل علمی و تمرکز در جلب رضایت عمومی به باد انتقاد می‌گیرد.

دوستی این دو از هر نظر منحصر به فرد است. در چند داستان، هولمز از ادت و علاقه‌اش به واتسن را در پشت نقاب سرد و بی‌روحش نشان می‌دهد. برای مثال واتسن در ماجرای سه گاریدب زخمی می‌شود، اگرچه زخم سطحی است اما واکنش هولمز نسبت به جنایتکار بسیار تند است و او را تهدید به مرگ می‌کند. همچنین در ماجرای پای شیطان بخش احساسی هولمز نمود می‌یابد.